

حبس خانگی

علی حسین نجفی ابرند آبادی^۱، محمد جعفر حبیبزاده^۲، ابوالفتح خالقی^۳

۱- دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۲- دانشیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس

۳- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

کیفر زندان از شایعترین و پرهزینه‌ترین ضمانت اجراها در حقوق کیفری است که به لحاظ پیچیدگی مدیریت آن از نظر تأثیر اصلاحی بر محکومین، چندان موفقت آمیز نبوده است. اصلاح رژیم زندانها و یافتن جایگزینهای مناسب از دیرباز مورد توجه کیفرشناسان قرار گرفته و اخیراً با نظریه مجازاتهای اجتماعی، شدت بیشتری پیدا کرده است. این آموزه با هدف تحمیل مجازات بدون مداخله نامتعارف در روابط اجتماعی و عاطفی بزهکار، همزمان با تأمین امنیت و آسایش عمومی مطرح شده است. به نظر می‌رسد حبس خانگی به عنوان مصداقی از مجازاتهای اجتماعی، از تورم جمعیت کیفری زندانها و هزینه نگهداری زندانیان می‌کاهد و ضمن ایجاد محدودیت در آزادی محکومان کم‌خطر یا اصول انسانی و بشر دوستانه تطابق بیشتری دارد.

۱۴۱

کلید واژه‌ها: مجازاتهای اجتماعی، منع خروج از خانه، حبس خانگی، جایگزینهای زندان



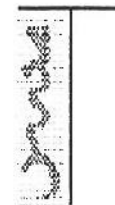
۱- مقدمه

جرم، پدیده‌ای اجتماعی است و مقابله با آن از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و مصلحان اجتماعی قرار گرفته است. شکی نیست که هر جامعه‌ای در قبال نقض هنجارهای اجتماعی (جرم)، واکنش نشان خواهد داد. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که واکنش علیه جرم، از جوامع ابتدایی تاکنون و در طول حیات اجتماعی بشر وجود داشته است و در هیچ عصری، جامعه، رفتار متخلفان را بی‌پاسخ نگذاشته است.

در گذشته‌های بسیار دور، ضمانت اجراهای کیفری در قالب مجازاتهای شدید بدنی و تزیلی اعمال می‌شد. در این دوره‌ها، مجازات بر پایه انتقام و سرکوبی بزهکار استوار بود و به شکل مجازاتهای بدنی قهرآمیز، به ویژه اعدام و سایر مجازاتهای غیر انسانی، اعمال می‌گردید [۱].

هر چند مجازات حبس، از عهد کهن و باستان وجود داشته است ولی به دلیل استفاده محدود و جزئی، در ردیف مجازاتهای شایع آن اعصار به حساب نمی‌آید؛ با این وجود، با گذشت زمان به تدریج به عنوان مجازات، وارد زندان‌های کیفری شد. در ابتدا، جایگزینی کیفر حبس به جای مجازاتهای شدید بدنی، علیرغم وضعیت نامناسب و رقت‌بار زندانها - به لحاظ تعدیل شکل مجازات - بسیار امیدوارکننده بود؛ ولی به مرور زمان به دلیل عدم توجه به وضعیت زندانها، بالا رفتن آمار زندانیان و پدیده حفره‌ای شدن محکومین به حبس، این امیدواری به یأس مبدل شد، تا آنجا که در پی انتقاد شدید «جان هوارد» انگلیسی از وضعیت نامطلوب و وخیم زندانهای انگلستان و ویلز و انتشار مشاهداتش در سال ۱۷۷۷ میلادی، قانون ۱۷۷۹ زندانها در کشور انگلستان به تصویب رسید [۲]. در این قانون پیش‌بینی شده بود که زندانیان ملزم به گذراندن شب به تنهایی و کار دسته‌جمعی در روز، با رعایت نظم و آرامش هستند و به زندانی، فرصتی جهت تغییر رفتار و تفکر در وضعیت خود داده شد؛ هر چند این قانون تا سال ۱۸۴۲ به مرحله اجرا در نیامد [۳].

جنبش اصلاح سیستم زندانها، توجه به شرایط زندانیان و رعایت حقوق آنها، با وقوع انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه شدت بیشتری گرفت و دامنه آن از اروپا فراتر رفت و به قاره آمریکا به ویژه بخش شمالی آن رسید. در آستانه تولد مکتب تحقیقی حقوق جزا، تحولاتی به کوشش اصلاح‌طلبان انگلیسی در ایالات متحده به وقوع پیوست که از جمله آن تحولات، تغییر نگرش به انسان، ماهیت و کمال‌پذیری او بود. به ویژه بر این دیدگاه تأکید شد که جرم نمی‌تواند ناشی از ماهیت و طبیعت انسان باشد، بلکه متأثر از عوامل محیطی و بیرونی است. در سال ۱۷۹۰ در ایالت پنسیلوانیا طرح طبقه‌بندی زندانیان به شکل ابتدایی اجرا شد و مرتکبان جنایت در بخش جدایی از سایر بزهکاران



نگهداری شدند. زندانیان به صورت انفرادی به منظور توبه کردن در سلولها به سر می‌بردند و به طور کلی جهت‌گیری اداره زندانها از محل تحمیل درد به مرکز اصلاح آغاز گردید. در این شیوه زندانیان اجازه داشتند به طور دسته جمعی در طول روز به فعالیت بپردازند و شبها در سلولهای خود باشند و ارتباط جز در مدت کار ممنوع شده بود [۴].

اصلاح سیستم زندانها در قرن بیستم همچنان ادامه پیدا کرد و تحت آموزه‌های مکتب اثباتی و مکتب دفاع اجتماعی، موضوع بازپروری و اصلاح زندانیان رونق یافت و به منظور تغییر رفتار زندانیان، اقداماتی نظیر آموزشهای حرفه‌ای و برنامه‌های گروهی، اتخاذ گردید. پیشرفت اصلاحات در امور زندان با انجام امور فوق‌خاتمه نیافت، بلکه به روند تکاملی خود ادامه داد. رژیم زندانهای باز و نیمه آزاد، توجه به حقوق زندانیان، مسایل بهداشتی، مرخصی، اوقات فراغت، ملاقات و وضع معیارهای حداقل از نتایج این روند است [۵].

رویکرد دیگری که اخیراً در زمینه اصلاح مجازات زندان، نمود یافته است، وضع ضمانت‌اجراهای جایگزین است. این رویکرد که از آن با عنوان زندان زدایی تعبیر می‌شود [۶]، با هدف اعمال واکنشهای غیرسالب آزادی، در قبال پدیده‌های مجرمانه، طرح‌ریزی شده است.

در این مقاله، پس از بررسی جایگزینهای مجازات زندان، مفهوم مجازات اجتماعی و ضرورت اعمال آنها، شیوه اجرای مجازات حبس خانگی به عنوان مصداقی از مجازاتهای اجتماعی و جایگزین کیفر زندان، شرایط اعمال و لغو آن، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- بحث و بررسی

از ویژگیهای سیاست جنایی مفید و مؤثر در مقابله با پدیده بزهکاری، قابلیت انطباق آن با تغییر اوضاع و احوال اجتماعی است؛ به همین دلیل، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی هم‌زمان با توسعه فرایندهای اجتماعی به دنبال وضع ضمانت‌اجراهای مناسب در جهت نیل به اهداف خود هستند. از آنجاکه شرایط و مناسبات اجتماعی پیوسته، ولی نسبتاً کند به لحاظ تاریخی، در حال تغییر و تحول است، بنابراین سیاست جنایی نیز همانند سایر سیاستهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... نمی‌تواند از تحول و تکامل تاریخی، به دور باشد. اعمال سیاست جنایی ایستا، نه تنها در مقابله با پدیده بزهکاری کارایی ندارد، بلکه مشکل‌آفرین و احیاناً جرم‌زا نیز خواهد بود. در این خصوص «میشل فوکو» می‌نویسد: «شاید امروزه از زندانهایمان شرمن داشته باشیم؛ لیکن سده نوزدهم از اینکه دژهای مستحکمی در اطراف و گاه در مرکز شهر ساخته می‌شده به خود می‌بالیده است» [۷].



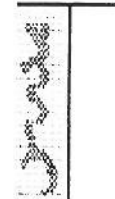
مطالعات جرم‌شناسان نشان می‌دهد با تمام اصلاحاتی که در رژیم زندانها طی دو سده گذشته صورت گرفته و منجر به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندانها شده است، عملاً نتایج مثبت، مفید و مؤثری در بازپروری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته است [۸]. نتایج به دست آمده، ناامید کننده هستند و آموزه بازپروری و اصلاح زندانیان در بسیاری از کشورها، از جمله ایالات متحده، کشورهای اروپایی و حتی کشورهای اسکاندیناوی که از دیرباز از آن حمایت می‌کردند، تقریباً با شکست مواجه بوده است. بنابراین تردیدی نیست که باید اندیشه مداوا و درمان را که مبتنی بر انجام وظیفه در محیطی رسمی، یعنی زندان بسته است، به دست فراموشی سپرد [۹].

در مقاله‌ای با عنوان «پرسشها و پاسخها در خصوص اصلاح زندان» که در سال ۱۹۷۴ منتشر شده، چنین عنوان گردیده که، تدابیر سازگار سازی دوباره اجتماعی، بیش از کیفرهای سنتی، اثری نداشته است و بدین سان موضوع صفر برنامه درمان و اصلاح بزهکار، مطرح شد [۱۰]. به این معنی که، برنامه‌های اصلاح و بازپروری از طریق زندان، نتیجه قابل توجهی در کاهش نرخ تکرار جرم نداشته است. نتیجه تحقیقات که در خصوص اثر بخشی برنامه‌های اصلاحی در سال ۱۹۷۵ منتشر شد، به خوبی روشن ساخت که جز در موارد محدود و استثنایی، اقدامات بازپروری، نتیجه چشم‌گیری در پیشگیری از تکرار جرم به ارمغان نیاورده است [۱۱].

به هر حال مجازات حبس، شیوه‌ای پرهزینه و گران است که افراد بد را به بدتر تبدیل می‌کند [۸]. علیرغم ناکارآمدی زندان، این مجازات همچنان به دلایل مختلف به عنوان نماد نظام کیفری در سراسر جهان شناخته می‌شود و به همین دلیل در چند دهه گذشته، میزان آن پیوسته رو به افزایش بود؛ به گونه‌ای که بعضاً زندانها با تراکم بیش از حد جمعیت زندانی، مواجه بوده‌اند [۱۲].

واقعیت این است که، هر چه تنوع مجازاتها بیشتر باشد، از نظر قابلیت انطباق با خصوصیات مرتکب (فردی کردن کیفر)، شدت و اهمیت جرم ارتكابی مناسبتر است. وضع مجازات محدود و بعضاً بسیار شدید، سبب خواهد شد تا در عمل، زمینه‌های اجرایی آن مورد تردید قرار گیرد و به ناچار یکی از این دو راه در پیش گرفته شود:

۱. مأموران اجرای قانون به لحاظ شدت کیفر، در عمل ممکن است دچار تردید شوند و از اعمال مجازات قانونی اجتناب نمایند.
۲. مأموران اجرای قانون به حکم وظیفه، کیفر مصوب را اعمال نمایند؛ هر چند به دلیل عدم تناسب با شدت خطر و اهمیت جرم، عادلانه به نظر نرسد.



اگرچه با عنایت به واقعیت‌های موجود، به ویژه گسترش تبهکاری، چه به صورت فردی یا سازمان یافته (گروه‌های تبهکار)، نمی‌توان از سیاست زندان زدایی به طور کلی دفاع کرد، ولی با توسل به تدابیر جایگزین، امکان اجرای محدود این سیاست ممکن به نظر می‌رسد. یکی از تدابیر مهم جایگزین در سیاست زندان زدایی، وضع ضمانت اجراهای بینابین است [۸]. بعضی از این ضمانت اجراها، که از نظر تاریخی بسیار شدید هستند، به عنوان الگوی اجتماعی اعمال مجازات شناخته شده‌اند. با توجه به اینکه پدیده‌های مجرمانه، به نوعی حکایت از قصور و عدم سازمان‌دهی اجتماعی دارد، بنابراین لازم است، پاسخهای کیفری در مقابله با پدیده مجرمانه، با حفظ و تضمین روند عادی عملکرد اجتماعی محکوم‌علیه، وضع و به اجرا درآید. مناسبترین روش - در راستای عملی ساختن اهداف یاد شده - به کارگیری ضمانت‌اجراهای بینابین از طریق ایجاد محدودیت یا سلب برخی از حقوق اجتماعی است؛ بی‌آنکه محکومان به محیط‌های بسته زندان سنتی اعزام شوند. این روش‌ها به عنوان مجازات‌های اجتماعی شناخته شده‌اند.

مجازات‌ها که واکنش اجتماعی در قبال نقض قوانین کیفری است، در اصطلاح عبارت است از کیفری قانونی که توسط دادگاه بر شخص محکوم تحمیل می‌شود [۱۳]. جنبش نوین مجازات اجتماعی، از طریق سلب موقت برخی از حقوق اجتماعی یا ایجاد محدودیت در استیفای این حقوق، به عنوان ضمانت اجرای نقض قوانین و مقررات کیفری و به عنوان مجازات اصلی، سیاست خود را اعمال می‌نماید. به دلیل اینکه مجازات‌های اجتماعی، خارج از زندان یا مراکز مشابه اعمال می‌گردند، به این نام معروف شده‌اند. در این مجازات از جامعه به عنوان عامل در مانگر استفاده شده است. برخلاف آنچه که سابقاً از جامعه به عنوان عامل جرم‌زایاد می‌شد [۱۴]. توضیح اینکه بزهکار در عین آزادی در جامعه و انجام امور روزمره، فعالیت‌های شغلی و حرفه‌ای، ایفای وظایف و مسؤولیتهای خانوادگی و حفظ روابط اجتماعی - عاطفی، مجازات را تحمل و در عین حال نسبت به جبران ضرر و زیان بزه دیده، اعم از فرد یا اجتماع، اقدام می‌کند. این شیوه نسبتاً جدید در اعمال مجازات، می‌تواند جایگزین مناسبی برای کیفر حبس کوتاه مدت باشد تا به این وسیله از تراکم جمعیت کیفری کاسته شود.

تحمل کیفر در جامعه یا مجازات‌های اجتماعی، در برگیرنده دامنه گسترده‌ای از ضمانت‌اجراها یا قابلیت جایگزینی با مجازات‌های زندان سنتی کوتاه مدت است. این مجازات‌ها در دو دهه گذشته شنیداً مورد توجه کیفرشناسان قرار گرفته است؛ از جمله مصادیق مجازات مذکور می‌توان به انجام کارهای عام‌المنفعه یا خدمات عمومی، ضبط و مصادره اموال، منع یا اجبار به اقامت در محل



معین، الزام به درمان، ممنوعیت تصدی به اشتغال خاص به طور دائم یا موقت، محرومیت از دریافت خدمات عمومی و حبس در خانه اشاره کرد. با توجه به مطالب فوق، مؤلفه‌های مجازات‌های اجتماعی که متفاوت از اقدامات تأمینی می‌باشند، عبارتند از:

۱. اعمال محدودیت در اجرای برخی حقوق اجتماعی یا سلب موقت آنها.
۲. اعمال محدودیت یا سلب حقوق اجتماعی به عنوان مجازات اصلی.

۳- مبانی نظری

علاوه بر اهداف کلی مجازات‌ها در اعمال مجازات حبس در خانه، طرفداران این نظریه به دنبال دو هدف عمده هستند:

۱. انسانی کردن مجازات‌ها؛
 ۲. اقتصادی کردن مجازات زندان سنتی.
- به عبارت دیگر، هدف از اعمال این مجازات، جلب منافع مادی و معنوی جامعه است؛ لذا در اجرای این مجازات، رویکرد انسانی و اقتصادی جلب توجه می‌کند.

۳-۱- رویکرد انسانی

طرد مجازات‌های خشن و احترام به شخصیت انسانها؛ هر چند مجرمان، همواره یکی از آرمانهای مصالحان اجتماعی بوده است؛ گرچه این هدف کم و بیش از دیرباز در اندیشه فیلسوفان، وجود داشته است، لیکن ظهور آن به شکل قانونی و الزام آور در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیونهای مختلف سازمان ملل در خصوص ممنوعیت مجازات‌های موهن، رفتارهای خشن، غیر انسانی و ناعادلانه تجلی یافته است [۱۵]. رویکرد احترام به شخصیت انسانی به تدریج در قوانین اساسی و مقررات عادی ملل جهان رسوخ پیدا کرد و منجر به اصلاح سیستم کیفری آنها شد.

یکی از اصلاحات عمده در مورد انسانی کردن مجازات‌ها، در رژیم زندانها رخ داد. بی‌شک هدف قانونگذار از اعمال مجازات زندان، محروم کردن بزهکار از حق آزادی اوست. زمانی اعمال این مجازات آثار زیانبار اجتماعی کمتری داشت و زندانی پس از آزاد شدن در مدت کوتاهی می‌توانست به وضعیت عادی بازگردد؛ اما با توجه به مشکلات ناشی از توسعه صنعتی، کنار ماندن

شخص برای مدت نسبتاً طولانی از جامعه، موجب از دست دادن شغل یا عدم توفیق در اشتغال مجدد و سستی روابط خانوادگی می‌شود که به هیچ وجه این آثار شدید که بعضاً به اندازه زندان یا بیشتر از آن دردناک است، مطلوب قانونگذار نیست؛ بنابراین دستگاه عدالت کیفری پیوسته به منظور ایجاد تعادل و توازن اجتماعی و به منظور حذف آثار نامطلوب تلاش می‌کند تا اعمال مجازات عادلانه و انسانی باشد. سیاستهای وضع مجازات عادلانه و بهبود شرایط افراد محکوم، هر چند تأثیر اندکی در جمعیت زندانها داشته باشد، لازم است پیگیری شود.

هدف از اعمال مجازات زندان در خانه قبل از هر چیز، رعایت حقوق انسانی محکوم و کاستن از آثار منفی غیر قابل اجتناب کیفر حبس است؛ زیرا در اعمال این مجازات به محکوم علیه اجازه داده می‌شود تا در اوقات کار و فعالیت با انجام امور عادی و روزمره بدون محدودیت فعالیت کند و صرفاً اوقات آزاد از وی سلب می‌گردد.

ایجاد محدودیت در قالب حبس در منزل به عنوان مجازات جرایم سبک و کم اهمیت، عادلانه محسوب می‌شود؛ زیرا عدالت در این خصوص به این معنی است که مجازات با خطر جرم ارتكابی متناسب باشد و در موارد مشابه از یک مجازات استفاده شود [۱۶].

۳-۲- رویکرد اقتصادی

زندان سنتی یکی از پرهزینه‌ترین مجازاتها در سیستم عدالت کیفری است؛ برای مثال، بودجه زندانها در کشور انگلستان و ویلز در سال ۹۳-۱۹۹۲ بالغ بر یک میلیارد و ششصد میلیون لیره استرلینگ و هزینه نگهداری هفتگی یک زندانی ۶۴ لیره برآورد شده است. با توجه به افزایش جمعیت زندانها، افزایش هر چه بیشتر هزینه‌ها نیز امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. تعداد زندانیان در روسیه یک میلیون نفر تخمین زده می‌شود و در چین بین شانزده تا بیست میلیون نفر زندانی می‌باشند [۱۷]؛ در ایالات متحده جمعیت زندانها در سال ۱۹۹۸ به بیش از یک میلیون و هشتاد و دو هزار نفر رسید [۱۸]؛ در کشور ما که نزدیک به هر یک دقیقه یک نفر روانه زندان می‌شود و هزینه روزانه هر زندانی مبلغی در حدود ده هزار ریال است، بودجه ای بالغ بر دو هزار و یکصد میلیارد ریال، نیاز است [۱۸].

با توجه به جمعیت زیاد زندانیان، اعمال مجازات زندان خانگی، موجب کاهش جمعیت زندانیان و در نتیجه کاستن از هزینه زندان سنتی می‌گردد. هزینه نگهداری زندانیان شامل هزینه محل نگهداری، لباس، غذا، خدمات و سرویسهای بهداشتی، دستمزد کارکنان اداری و انتظامی





است [۱۹]: همچنین هزینه‌هایی که مراکز مراقبت بعد از خروج می‌پردازند، در این زمره‌اند؛ در حالی که در مجازات حبس در خانه هزینه‌های مربوط به محل نگهداری، لباس، غذا و خدمات جانبی بر عهده اداره‌های زندان نیست و هیچگونه هزینه‌ای برای مراقبت بعد از خروج پرداخت نمی‌شود؛ لذا، تخمین زده می‌شود که به لحاظ اقتصادی، اعمال این مجازات، مخارج کمتری بر بودجه عمومی تحمیل کند؛ به این لحاظ از نظر اقتصادی ارزانتر از مجازات زندان است و به همین دلیل در بسیاری از ایالت‌های آمریکا گسترش یافته است و سبب شده تا از زندانی شدن هزاران نفر جلوگیری شود. برخی مطالعات که در این خصوص انجام شده، موفقیت این طرح را در مقایسه با مجازات سنتی به اثبات رسانده است [۴]، البته، تحقیقاتی که در ایالت‌های کمبیا، ساسکاچیون و نیوفنلند (کانادا) انجام شده، حاکی از آن است که اقتصادی بودن این نوع مجازات، محل تردید است. با این بیان که چون مجازات مذکور در مورد مجرمان کم خطر اعمال می‌شود، بنابراین تأثیر چندانی در تعدیل تعداد جمعیت زندانیان نخواهد داشت [۲۰]؛ ولی به هر حال این ارزیابی صورت می‌پذیرد که از لحاظ اقتصادی، هر چند اندک، مؤثر بوده و همین اندازه نیز می‌تواند در مجموع اثرگذار باشد.

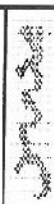
۴- کیفیت اجرای کیفر حبس خانگی

حبس در خانه، اصطلاحی است که به محدودیت در رفت و آمد و خروج از منزل اشاره دارد. در اجرای این مجازات، آزادی ورود و خروج محکوم علیه از منزل محدود می‌شود و او ملزم می‌گردد در منزل خود باقی بماند با وی فقط در ایام معینی که از قبل به او اعلام گردیده، حق خروج از خانه را دارد است. در این مجازات، خانه محکوم علیه به منزله زندان بوده و در حکم سلول است. به منظور کنترل محکومان، از پیشرفته‌ها و فناوریهای الکترونیکی استفاده شده و شیوه‌ای مفید، مؤثر و قابل اعتماد در سیاست کیفری ابداع گردیده است. در عصر الکترونیک، تعجبی ندارد که امیدوار باشیم، گوی جادویی این شیوه اعمال کیفر، بتواند مشکلات این مجازات را نسبتاً راحت‌تر و با هزینه کمتر، حل نماید [۱۴].

در این مجازات، دستگاه فرستنده کوچکی به مچ دست یا مچ پای بزهکار بسته می‌شود که امواج الکترونیکی را به شکل پیوسته ارسال می‌دارد. این فرستنده به گونه‌ای طراحی شده که هیچ مانعی در فعالیتهای روزمره اشخاص به وجود نمی‌آورد و انجام کارهای روزانه به سادگی امکان‌پذیر است [۲۱]. این امواج از طریق گیرنده‌های مخصوصی که در اختیار مأموران مراقب



قرار دارد، قابل دریافت است. دستگاه فرستنده، قابلیت اتصال به سیستم تلفن را دارد. زمانی که مأموران مراقب در زمانهای مشخص شده بخواهند با شخص مورد نظر تماس حاصل کنند، دستگاه فرستنده به سیستم تلفن متصل شده و بدین ترتیب حضور وی در خانه را تأیید می‌کند و در صورت عدم اتصال، مأموران متوجه می‌شوند که زندانی از خانه خارج شده است. دستگاههای گیرنده به گونه‌ای طراحی شده‌اند که اگر کسی تلاش نماید دستگاه فرستنده را از محل نصبش در بدن بزهکار محکوم جدا کند، اخطار و علائم مخصوص را دریافت می‌کنند و مأموران مراقب از این موضوع مطلع می‌شوند. در حکم محکومیت کسانی که در قالب این روش در حال تحمل مجازات هستند، قید می‌شود که شخص محکوم یا اعضای خانواده‌اش ملزم هستند به تلفن مأموران مراقب، برابر برنامه تنظیمی و در اوقات مشخص، پاسخ دهند تا از حضور وی در منزل اطمینان حاصل شود؛ برنامه و اوقات کار یا تحصیل و یا برنامه معالجات و معاینات پزشکی محکوم علیه در اختیار مأموران مراقب قرار می‌گیرد. به همین دلیل کلیه فعالیت‌های خارج از خانه الزاماً به تأیید مأمور مراقب خواهد رسید و هرگونه تغییری در برنامه‌ها، باید به این مأموران اطلاع داده شود. بررسی حضور محکوم علیه در منزل منحصر به ایام مندرج در برنامه‌های تنظیمی است. مراقبت و تصدی سیستم‌های بازرسی می‌تواند توسط شرکتهای خصوصی انجام شود که با انعقاد قرارداد انجام مراقبت به آنها واگذار می‌گردد [۲۲]. با توجه به قابل اعتماد بودن تجهیزات الکترونیکی و اطمینان از عملکرد منظم و دقیق آنها، استفاده از این روش رو به توسعه است. آمار موجود، نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۳ نزدیک به ۷۰ هزار نفر در ایالات متحده با این شیوه تحت نظارت و مراقبت بوده‌اند [۲۳].



استفاده از مجازات حبس خانگی منحصر به ایالات متحده نیست؛ در کشور سوئد نیز این طرح ابتدا به شکل آزمایشی در سال ۱۹۹۴ به اجرا گذاشته شد که به موجب آن تعدادی از بزهکاران نوجوان انتخاب شدند تا به جای زندان، تحت مراقبت الکترونیکی قرار گیرند. در شش منطقه آزمایشی متلفانی که محکوم به دو ماه زندان یا کمتر بودند، انتخاب شدند تا در خانه بمانند و مچ‌بند الکترونیکی ببندند. نتایج حاصله فراتر از انتظار بود؛ سه سال بعد، این برنامه تا آنجا گسترش یافت که در سراسر کشور، تمام بزهکارانی را که به سه ماه زندان یا کمتر محکوم شده بودند، در برگرفت. مرحله دوم اجرای طرح شامل مجرمان محکوم به بیش از چهار ماه زندان بود. در این طرح پیش‌بینی شده بود که محکومین به حبس تا یازده ماه زندان را نیز در برگیرد. مطالعات انجام شده نشان داد که در نهایت، این روش به اندازه زندانی شدن در زندانهای سنتی، ایجاد



محدودیت می‌کند و در عین حال فاقد آثار اجتماعی زندان است؛ همچنین، هزینه استفاده از این روش دو سوم هزینه زندان برآورد شد [۲۳].

۵- شرایط اعمال کیفر حبس خانگی

با توجه به اینکه هدف از اعمال این مجازات، انسانی و منصفانه کردن ضمانت اجراها و نیز طرد هرگونه درد و رنج غیرمنطقی بر بزهدار است، قانونگذاران با لحاظ این هدف و به منظور حفظ این خصیصه و ملاحظه خطراتی که احتمالاً جامعه را تهدید می‌کند، شرایطی را در نظر گرفته‌اند. ماده ۱۲ قانون عدالت کیفری انگلستان، مصوب ۱۹۹۱، به دادگاهها اجازه می‌دهد که تحت شرایط زیر اقدام به صدور حکم حبس در خانه کنند:

۱. محکوم علیه دارای شانزده سال سن یا بیشتر باشد.
۲. حداکثر مدت زمان اجرای مجازات شش ماه باشد.
۳. ممنوعیت خروج از منزل در هر شبانه روز نمی‌تواند از دو ساعت کمتر و از دوازده ساعت بیشتر باشد.
۴. بر اساس رویه قضایی، این مجازات صرفاً در مورد جرایم سبک یا کوچک و نه جرایم شدید، قابل اعمال است [۲۲].

در سال ۱۹۹۷ قانون جرایم و مجازاتها در انگلستان به تصویب رسید که دامنه اعمال این مجازات به موارد زیر نیز تسری پیدا کرد:

۱. کسانی که مرتکب جرایم متعدد سبک شده‌اند.
۲. محکومانی که دارای حداقل سن ده سال یا بیشتر باشند.

برابر مواد ۹۹ و ۱۰۰ قانون جرایم و تخلفات مصوب ۱۹۹۸، افرادی که حداکثر مجازات آنها کمتر از چهار سال است و حداقل سه ماه از مجازات خود را گذرانده باشند، می‌توانند به مدت دو ماه از این شیوه استفاده کنند. یکی از شرایط اساسی اعمال مجازات مذکور این است که با اجرای آن خطری جامعه را تهدید نکند؛ به عبارت دیگر، رفتار محکوم علیه برای جامعه خطرناک نباشد. بنابراین پیش از صدور حکم مبنی بر حبس در خانه، بزهدار توسط متخصصان مورد آزمایش قرار می‌گیرد و در صورتی که خطرناک تشخیص داده نشود، این مجازات در مورد او اعمال می‌گردد [۲۲].



بند ۲ ماده ۱۰۰ قانون جرایم و تخلفات انگلستان و ماده ۱۷ دستورالعمل شرح وظایف پلیس در خصوص اجرای مجازات حبس در خانه بیان می‌کنند که اجرای این مجازات ممکن است بنا به دلایل زیر متوقف یا اجازه آن توسط اداره آزادی مشروط یا اداره زندان لغو گردد.

۱. عدم رعایت شرایطی که در حکم محکوم علیه ذکر شده است؛
 ۲. ناتوانی مأموران در مراقبت از محبوس به لحاظ موقعیت مکانی اجرای مجازات؛
 ۳. حمایت از جامعه به منظور پیشگیری از ضرر و زیانهای جدی و مهم.
- ضرر و زیانهای جدی، ناشی از جرایم خشونت بار است. این جرایم بنا به ماده ۱۵ دستورالعمل مذکور عبارتند از:

۱. قتل عمد و شروع به آن؛
۲. ایجاد حریق عمدی به قصد به خطر انداختن زندگی دیگری؛
۳. تجاوز جنسی؛
۴. سرقت مسلحانه؛
۵. هر نوع جرمی که تهدید علیه جامعه به حساب آید یا منافع ملی را به خطر اندازد [۲۵].

درخواست لغو این مجازات، به دلیل وجود خطر جدی برای جامعه، توسط پلیس یا مأموران مراقب به اداره مراقبت گزارش می‌شود و فوراً مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ آنگاه تصمیم گرفته می‌شود که چه اقدامی صورت پذیرد. در صورت لغو حکم، محکوم علیه برای گذراندن بقیه مجازات به زندان معمولی معرفی می‌شود. نقض شرایط به دو سطح یک و دو تقسیم می‌شود. سطح یک به مواردی اطلاق می‌گردد که عدم رعایت ضوابط بسیار جدی است؛ نظیر ایراد ضرب و جرح مأمور مراقب و تخریب مچ‌بند الکترونیکی که در این حالت، مأمور مراقب، موظف است این مسأله را فوراً اطلاع دهد و ظرف ۲۴ ساعت در خصوص لغو حکم اقدام می‌شود. مصادیق سطح دو، عبارت است از غیبت کوتاه در طول یک دوره از مجازات، دستکاری عمدی تجهیزات و نه تخریب آنها. در این موارد، مأمور به محکوم علیه اخطار کتبی داده و در صورت تکرار (سه بار) مجازات مزبور لغو و محکوم علیه باقیمانده مجازات را در زندان معمولی سپری خواهد کرد. غیبت در طول مدت مجازات، همیشه نمی‌تواند غیر موجه تلقی شود و در نتیجه نقض شرایط به حساب آید. غیبت‌های اضطراری که نمی‌تواند با اعلام قبلی باشد - مانند فوریت‌های پزشکی در خصوص شخص محکوم علیه یا افراد خانواده وی - نباید از هشت ساعت در روز تجاوز کند و در هر حال محکوم علیه باید مراقب را در فرصت مناسب اطلاع دهد. مورد دیگر حضور در مراسم ازدواج یا



تدفین بستگان نزدیک است. تمام این موارد پس از بررسی موضوع توسط مأمور مراقب باید به تأیید وی برسد [۲۶].

با توجه به مجموع مطالب پیش گفته، به نظر می‌رسد مجازات حبس در خانه در سایر کشورها به عنوان مصداقی از مجازاتهای اجتماعی پذیرفته شده و دامنه استفاده از آن در سالهای اخیر گسترش یافته است. بنابراین ضرورت دارد زمینه‌های اجرایی این مجازات در حقوق کیفری کشورمان نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۶- زمینه‌ها و موانع اجرایی کیفر حبس خانگی در حقوق ایران

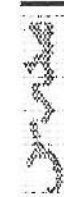
در سیاست کیفری کشور ایران، اغلب مجازاتها به صورت زندان و جزای نقدی است. کارکرد سیاست تقنینی موجود که بر مبنای قضاگرایی و توسل به کیفر در رسیدگی به جرایم شکل گرفته، موجب شده تا جمعیت کیفری زندانهای کشور پیوسته افزایش یابد، به گونه‌ای که آمار ورودی زندانیان هر روز به حدود یک هزار و چهارصد و پنجاه نفر بالغ می‌شود. این امر سبب شده، تا تعداد زندانیان کشور، به یک صد و پنجاه هزار نفر برسد [۱۸].

با توجه به تراکم فوق العاده جمعیت در مراکز نگهداری محکومان به حبس، به نظر می‌رسد اعمال این مجازات بتواند تا حدودی از میزان تراکم زندانها کاسته، ضمن بهبود نسبی شرایط زندانها موجبات کاهش هزینه‌ها را نیز فراهم نماید. در این مورد به نظر می‌رسد زمینه‌های اجرایی این نهاد در حقوق ایران، به رغم موانع، وجود دارد.

۶-۱- زمینه‌های اجرایی

۶-۱-۱- جوانان و نوجوانان بزهکار

با توسل به این سیستم نوین جوانان و نوجوانان بزهکار ملزم می‌شوند تا اوقات تعطیل خود را در منزل بگذرانند و از آثار منفی مراکز نگهداری سنتی در امان بمانند. در این صورت ضمن آنکه تحت نظارت و مراقبت هستند، فعالیت‌های قانونی و مفید خود را ادامه می‌دهند و از متن جامعه و خانواده نیز دور نگاه داشته نمی‌شوند. اخیراً گرایش برخی از دادرسان به این موضوع جلب شده است. از جمله برخی از شعبات دادگاه اطفال، اقدام به صدور آرای در زمینه اعمال کیفر حبس در خانه نموده‌اند. شعبه ۲۱۰۲ دادگاه عمومی تهران که رسیدگی به پرونده‌های اطفال و نوجوانان را



عهده‌دار است، در مواردی همچون دادنامه شماره ۱۷۵ در سال ۱۳۷۹ به مجازات حبس در خانه رأی داده است. هر چند در آرای صادره، روند مشخصی برای اجرای آن پیش‌بینی نشده است، ولی به هر حال این ابتکارات خردمندانه بسیار امیدوارکننده است. از طرف دیگر به دلیل فقدان نص صریح قانونی در اعمال این مجازات به عنوان مجازات اصلی، احتمال آن می‌رود که رویه قابل تحسین دادرسی شعبه مذکور، با استقبال عمومی در سیستم قضایی، مواجه نگردد. بنابراین ضرورت دارد مقررات صریحی در این زمینه وضع گردد.

۶-۱-۲- محکومان مالی

قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی، پیش‌بینی نموده است که بدهکاران در صورت عدم پرداخت دین و عدم احراز اعیان زندانی خواهند شد. به لحاظ اینکه تعداد زندانیان بدهکار با اجرای این قانون از دی ماه ۱۳۷۷ رو به افزایش نهاده و با توجه به سیاست فعلی که نوعی افراط در زندانی کردن و تفریط در آزاد کردن در آن به چشم می‌خورد، به خوبی می‌توان با توسل به این شیوه هم از افراط و هم از تفریط جلوگیری کرد. بدهکاری که آزادی وی به شکل حبس خانگی محدود شده است، فرصت دارد تا با اشتغال و کسب درآمدیون خود را بپردازد و ایجاد محدودیت در آزادی وی، تا اندازه‌ای می‌تواند وی را به انجام کارهای مفید اقتصادی برای پرداخت مطالبات قربانیان، ملزم نماید.

۱۵۳

۶-۱-۳- جرایم تعزیری کم اهمیت

ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مصوب ۱۳۷۳، تبدیل اجباری و اختیاری زندان به جزای نقدی را پیش‌بینی کرده است. ولی با توجه به ضمانت اجرای مندرج در ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی، مصوب ۱۳۷۷، عدم پرداخت جزای نقدی منتهی به بازداشت محکوم علیه خواهد شد. در این موارد نیز چنانچه وی استحقاق داشته باشد می‌تواند به تحمل حبس در خانه محکوم شود.

۶-۱-۴- بهبود بخشیدن به کیفیت اجرای آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات

در حال حاضر زندانیانی که نیمی از مجازات خود را گذرانده باشند با جمع شرایط مندرج در ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی می‌توانند از امتیاز آزادی مشروط برخوردار شوند. همچنین با احراز



شرایطی دادگاه مجاز به تعلیق اجرای مجازات و الزام محکوم علیه به انجام دستورات خاصی است. عموماً افراد آزاده شده به دلیل فقدان سیستم نظارتی موثر و کارآمد در زمینه اجرای دستورات دادگاه به حال خود رها می‌شوند. در حالی که با استفاده از این نظام، مأموران مراقبت و نظارت می‌توانند تا پایان موفقیت آمیز دوره محکومیت، اجرای دستورات دادگاه را تضمین نمایند.

۶-۲- موانع اجرایی

به رغم فراهم بودن زمینه‌های اجرایی برای ورود نهاد حبس در خانه در حقوق ایران، موانعی هم در این خصوص وجود دارد، از جمله:

۱. اقامت در منزل و عدم خروج از آن در نگاه اول به دلیل خفیف بودن ممکن است مجازات تلقی نشود. همین سطحی‌نگری می‌تواند مانع عمده‌ای در اجرای این مجازات ایجاد کند. در حالی که اگر مجازات مذکور به خوبی اجرا شود، می‌تواند به اندازه زندان سنتی در محدود کردن آزادی عمل مجرمان مؤثر واقع شود؛ زیرا این محکومان برای انجام هرکاری آزاد نیستند، هر چند آزادی آنها از یک زندانی بیشتر است، ولی انتخابهایشان بسیار محدود است.

۲. برای اجرای مجازات حبس در خانه، مشکلات عملی وجود دارد که ناشی از عدم وجود تجهیزات و ابزار لازم، شبکه‌های مربوطه، ادارات مراقبت و نظارت و مأموران آموزش دیده می‌باشد. رفع این مشکل از طریق خرید تجهیزات و انعقاد قرارداد با بخش خصوصی جهت تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های مربوطه، آموزش کارکنان، تربیت نیروهای ناظر و مراقب و اجرای طرحهای آزمایشی امکان‌پذیر است.

۷- نتیجه‌گیری

سنجشهای کیفی شناختی حکایت از این واقعیت دارد که از یک سو، اعمال مجازات زندان سنتی به عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای کیفی اجتناب‌ناپذیر است؛ از سوی دیگر، همین سنجشها بر ضرورت اصلاح ساختار آن و یافتن مجازاتهای اجتماعی جایگزین، اصرار دارند. یکی از مصادیق ضمانتهای اجرایی اجتماعی، مجازات حبس در خانه است.

این مجازات، پلی بین زندان و آزادی کامل است. محکوم در ضمن تحمل مجازات و محرومیت از حق آزادی رفت و آمد از آثار منفی زندان سنتی مصونیت می‌یابد. زندانی با حفظ روابط



خانوادگی-عاطفی، به کار اشتغال می‌ورزد و در نتیجه با کسب درآمد مشروع، امکان پرداخت ضرر و زیانهای قربانی افزایش می‌یابد.

اعمال مجازات حبس در خانه، در کاهش جمعیت کیفری زندانها - حداقل در تعداد پذیرش محکومان کوتاه مدت - نقش مؤثری دارد. به همین دلیل تا حدودی از هزینه‌های اداره زندانها کاسته می‌شود.

با توجه به اینکه محکومان به جرایم سبک، مشمول این مجازات می‌شوند، بنابراین با اجرای مجازات مذکور، خطر عمده‌ای جامعه را تهدید نخواهد کرد. همچنین با توجه به نظارت مأموران و الزام محکوم علیه به اقامت در منزل و عدم خروج از آن، توان بزهکاری از وی سلب می‌گردد و در نتیجه امنیت اجتماعی تأمین خواهد شد.

۸- منابع

- [1] Adams, Robert, "The Abuse of Punishment", 1st ed., London, Macmillan Press LTD., 1998, p. 39.
- [۲] بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چ. ۲، ۱۳۷۷، ص. ۳۳.
- [3] Coyle, George. F. and Esmith Christopher, "The American System of Criminal Justice", 8th ed., New York, West Wadsworth, 1998, p. 447.
- [4] Holman, John e. and James F. Quinn, "Criminal Justice Principles and Perspective, 1st ed., New York West Publishing Company, 1996, pp. 291, 394.
- [5] "The United Nations and Crime Prevention", Standard Mininume Rules for the Treatment of Prisoners, New York, United Nation Press, 1996, p. 59.
- [۶] نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ. ۱، ۱۳۷۷، ص. ۱۲۳.
- [۷] لازرژ، کریستین، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران مؤسسه نشر یلدا، چ. ۱، ۱۳۷۵، ص. ۹۴.
- [8] Coyle, Andrew, "Are our Prisons Value for Money?" *Consumer Policy Review*, Vol. 4, 1994, pp. 205,207.
- [۹] آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ. ۳، ۱۳۷۵، ص. ۹۳.
- [۱۰] گسن، ریموند، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چ. ۱، ۱۳۷۴، ص. ۱۲۶.



- [11] Flanagan Timothy, J., "Reform of Punishment", *Americans View Crime and Justice*, 1st ed., Dennis R Long Maire. Sage Publications, London, 1996, p.76.
- [12] Franklin, E. Zimring and Gordon Hawking, "Incapacitation", 2nd ed., New York, Oxford University Press, 1995, p. 101.
- [13] Wilkinson, Reginald A. and Jams A. Gondles, "Criminal Justice Terms", U. S. A Upper Marlboro, 1998, p.106.
- [14] Ian, Brownlie, "*Community Punishment*", 1st ed., London, Longman Publication, 1998, pp.119-122, 56.
- [15] _____, "A Basic Document in International Law", 4th ed., New York, Oxford University Press, 1995, p. 625.
- [16] Ville, Landrew, "Prison Overpopulation and Strategies for Decarceration", *Canadian Journal of Criminology*, Vol. 37, 1995, p. 48.
- [17] Tomy, Micheal, "Why Are out Incarceration Rates so High?" *Crime and Delinquency*, vol. 45, 1999, p. 419.
- [۱۸] روزنامه ایران، دوشنبه ۱۴ دی، ۱۳۷۸، سه شنبه ۴ مرداد، ۱۳۷۹ و سه شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۷۹.
- [۱۹] تیرگر فاخری، فریمان، *تلاشهای بین‌المللی و قانونگذار ایران در تحدید موارد اعمال کیفر سالب آزادی*، فصل‌نامه دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ش ۸، ۱۳۷۷، ص ۸۰۳.
- [20] James, Bonta and Rooney Lennifer, "Electronic Monitoring in Canada", Solicitor General Canada, 1999, p. 8-10.
- [21] Snow, Penny, "Electronic Monitoring of Offenders", *International Review*, Vol. 13, 1999, p. 405.
- [22] Rose, Charlos, "Electronic Monitoring of Offenders", *International Review of law*, Vol. 11, 1997 pp. 147, 410, 413.
- [23] Department of Justice. "Bureau of Justice Statistices, Survey of State Prison Inmate", U. S. A Washington D. C Government Office, 1993, p. 3.
- [۲۴] یوهانسون، لیندا، *زنجیرهای نامرئی*، ترجمه نازیلا خلخالی، پیام یونسکو، ش ۱۲، ۱۳۷۸، ص ۱۲.
- [25] "Home Detention Curfew", Police Guidance, Probation Unti, Electronic Monitoring Section, London, 1998, Article 17.
- [26] _____; Annex D."Levels of Violations and Breach Criteria", p. 10.

